



The Role and Function of Presupposition in Explaining the Proverbs of Nahj al-Balaghah



Doi:10.22067/jall.2025.85892.1352

Seyyed Mehdi Masboogh¹ 

Professor of Arabic Language and Literature, Bu- Ali Sina University, Hamedan, Iran

Hosein Rajabi Ala 

Ph.D in Arabic Language and Literature, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

Received: 30 November 2024 | Received in Revised form: 14 May 2025 | Accepted: 15 May 2025

Abstract

Pragmatics examines language in context and specific situations to elucidate the speaker's goals and intended meanings for transmission to the addressee. Presupposition, as one of the fundamental components of linguistic pragmatics, investigates the information that already exists between the speaker and the listener, which the speaker assumes the listener is aware of. Nahj al-Balaghah, as a religious and valuable text, is a rich source for guiding humanity. Undoubtedly, limiting oneself to the surface meanings of this book is equivalent to a lack of precise understanding of its profound and eternal concepts, for beneath its apparent words, it alludes to deep issues that require more careful investigation and study. The present research, employing a descriptive-analytical method and a pragmatic approach, has critically analyzed 90 proverbs of Nahj al-Balaghah based on the book *Al-Amthal wa al-Hikam al-Mustakhrajah min Nahj al-Balaghah* by Mohammad al-Gharawi. The aim is to achieve a more accurate reading and understanding of the presuppositions embedded in these proverbs. The findings indicate that Imam Ali (AS) expressed his moral, social, and political concepts through words and phrases containing hidden layers of meaning, reflecting his high linguistic and communicative competence. In the process of accessing these implicit meanings, by relying on structural, existential, factive, and non-factive presuppositions, he established a more effective communication with the audience and their mental presuppositions, thereby inviting the audience more deeply to reflect and contemplate beyond the concealed meanings.

Keywords: Linguistics, Pragmatics, Presupposition, Proverb, Nahj al-Balaghah.



زبان و ادبیات عربی، دوره هفدهم، شماره ۲ (پیاپی ۴۱) تابستان ۱۴۰۴، صص: ۲۰-۴۳

نقش و کارکرد پیش‌انگاری در تبیین ضرب‌المثل‌های نهج‌البلاغه



(پژوهشی)



سید مهدی مسبوق^۱ (ID) (استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران)

حسین رجیبی علا^{ID} (دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران)

Doi:10.22067/jall.2025.85892.1352

چکیده

کاربردشناسی به بررسی زبان در بافت و موقعیت خاص می‌پردازد تا اهداف گوینده و معانی موردنظر او را برای انتقال به مخاطب تبیین کند. «پیش‌انگاری» (Presupposition) به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی در کاربردشناسی زبان، آن دسته از اطلاعاتی را بررسی می‌کند که پیش‌تر میان گوینده و شنونده وجود داشته و گوینده فرض می‌کند که شنونده از آنها آگاهی دارد. نهج‌البلاغه، به‌مثابه متنی دینی و ارزشمند، منبعی غنی برای هدایت انسان به‌شمار می‌رود. بی‌گمان بسنده کردن به معانی ظاهری این کتاب، معادل عدم درک دقیق مفاهیم عمیق و جاودان آن است؛ چه آنکه در فراسوی الفاظ ظاهری، به موضوعاتی ژرف اشاره دارد که نیازمند بررسی و مطالعه‌ای دقیق‌تر می‌باشند. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد کاربردشناختی، ۹۰ نمونه از ضرب‌المثل‌های نهج‌البلاغه را بر اساس کتاب «الأمثال و الحكم المستخرجه من نهج‌البلاغه» تألیف محمد الغروی، نقد و تحلیل کرده است تا از این رهگذر، خوانش و درکی دقیق‌تر از پیش‌انگاری‌های نهفته در این امثال حاصل شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که امام علی(ع) مفاهیم اخلاقی، اجتماعی و سیاسی مورد نظر خود را در قالب واژگان و عباراتی دارای لایه‌های پنهان معنایی بیان کرده‌اند که حکایت از توانش زبانی و ارتباطی بالای ایشان دارد. در مسیر دستیابی به این معانی نهفته، ایشان با تکیه بر پیش‌انگاری‌های ساختاری، وجودی، واقعیت‌پذیر و واقعیت‌ناپذیر، ارتباط مؤثرتری با مخاطب و پیش‌فرض‌های ذهنی او برقرار کرده‌اند تا مخاطب را بیش‌ازپیش به تفکر و تعمق در ورای معانی پوشیده دعوت نمایند.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی، کاربردشناسی، پیش‌انگاری، ضرب‌المثل، نهج‌البلاغه.

۱. مقدمه

بررسی دقیق هر یک از زبان‌های بشری نشان می‌دهد که زبان، نظامی فوق‌العاده پیچیده، بسیار انتزاعی و بی‌نهایت زایاست که معانی و مفاهیم را با آواها پیوند می‌زند. علمی که به طور تخصصی به مطالعه این پدیده می‌پردازد، زبان‌شناسی نام دارد. زبان‌شناسی حوزه‌های موضوعی گسترده و متنوعی را در بر می‌گیرد و به عبارتی، علم مطالعه زبان به‌مثابه ابزار ارتباطی میان انسان‌ها و همچنین پدیده‌ای است که هویت و اندیشه انسانی در آن شکل می‌گیرد.

کاربردشناسی (Pragmatics) یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی است که به بررسی تأثیر بافت بر معنا می‌پردازد. به بیان دیگر، «کاربردشناسی مطالعه معنی است؛ معنی‌ای که گوینده (یا نویسنده) آن را منتقل و شنونده (یا خواننده) برداشت می‌کند. بنابراین کاربردشناسی بیشتر با تحلیل منظور افراد از پاره‌گفت‌هایشان سروکار دارد تا با معنی خود کلمات یا عباراتی که به کار می‌برند» (یول، ۱۳۸۳، ص ۱۱).

یکی از مفاهیم مهم در کاربردشناسی، «پیش‌انگاری» (Presupposition) و انواع آن است. پیش‌انگاری از طریق شیوه‌هایی نظیر اشاره به ماهیت حقیقی امور، بیان وظایف شخصی و تکالیف دینی، تبیین مسئولیت‌های انسانی در قبال دیگران، حمل معانی گسترده و پنهان در زیر یک مسئله، ذکر ابعاد فردی و اجتماعی یک موضوع، و اشاره به ریشه رذایل و فضایل و پیامدهای زیان‌بار یا سودمند آنها، مخاطب را به تأمل در عمق واژگان و جملات فرا می‌خواند.

بر این اساس، پژوهش پیش‌رو بر آن است تا با خوانش پیش‌انگاری‌های نهفته در امثال نهج‌البلاغه، به درکی دقیق‌تر از مفاهیم پنهان در کلام امام علی(ع) دست یابد. با توجه به شمار فراوان امثال نهج‌البلاغه، در این پژوهش ۹۰ نمونه از امثال موجود در کتاب «الأمثال و الحكم المستخرجه من نهج‌البلاغه» تألیف محمد الغروی به‌عنوان پیکره تحقیق انتخاب شده است.

پرسش‌های پژوهش عبارتند از:

۱. چه نسبتی میان تبیین پیش‌انگاری، انتقال معنا و ایجاد فضایی آمیخته از تفهیم و پوشیده‌گویی برای مخاطبان وجود دارد؟

۲. کدام یک از انواع پیش‌انگاری در امثال نهج‌البلاغه بروز و ظهور بیشتری دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

تا جایی که نگارندگان پژوهش حاضر جستجو کرده‌اند، تاکنون پژوهشی مستقل و اختصاصی در زمینه پیش‌انگاری در امثال نهج‌البلاغه صورت نگرفته است. با این حال، پژوهش‌هایی با رویکرد تحلیل انواع پیش‌انگاری در حوزه‌های دیگر انجام شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

حجتی‌زاده، راضیه (۱۳۹۵) «مقایسه مفهوم سماع در آثار سلمی و احمد غزالی برمبنای الگوی پیش‌انگاشت‌های زبانی». نویسنده در این مقاله، ضمن بررسی پیش‌انگاری که به‌منزله گمان‌هایی درخصوص دانش زبانی و جهان‌بینی نویسنده است، مفهوم سماع را که از موضوعات پرمناقشه در تاریخ تصوف به شمار می‌رود و در معرض ارزیابی‌های متعدد و گاه متضاد قرار گرفته، بررسی کرده و از این نظریه برای درک بهتر مفهوم سماع در آثار سلمی و غزالی استفاده نموده است.

حاتمی، پریسا (۱۳۸۹) «بررسی ساختارهای پیش‌انگاره‌ای در زبان فارسی معیار». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی. نویسنده در این پایان‌نامه، ضمن تأکید بر این نکته که در فرایند ارتباط همواره ذکر بخش وسیعی از اطلاعات ضروری به نظر نمی‌رسد، به بررسی ساختارهای پیش‌انگاره‌ای در زبان فارسی و تعیین عوامل رقم‌زننده پیش‌انگاری در ساختارها پرداخته است. همچنین محرک‌های پیش‌انگاره‌ای مورد واکاوی قرار گرفته و تقسیم‌بندی لوینسون از محرک‌های پیش‌انگاری در زبان انگلیسی مبنای کار وی قرار گرفته است.

صفری، کورش (۱۳۸۸) «نگاهی به از پیش‌انگاری از دو چشم‌انداز». نویسنده در این مقاله، ضمن معرفی پیش‌انگاری و طبقه‌بندی انواع آن، گستره کاربرد این نظریه را فراتر از زبان و در حوزه منطق نیز اثبات کرده و بیان داشته است که پیش‌انگاری در منطق محمولات و منطق جملات نیز کاربرد دارد. همچنین وی تأکید کرده که پیش‌انگاری نوعی رابطه معنایی در سطح جملات زبان است و در شرایطی امکان طرح می‌یابد که از اطلاعات موجود در یک جمله بتوان به اطلاعات تازه‌ای در قالب جمله‌ای دیگر دست یافت.

توکلی‌نیا، مریم و میرجلیلی، علی (۱۳۹۸) «بررسی نقش ضرب‌المثل‌ها در فهم و زیباسازی تعبیر نهج‌البلاغه». آنچه بیش از همه در این مقاله نمود دارد، توجه به زیبایی‌های بلاغی و آرایه‌های ادبی همچون استعاره، کنایه و نماد و تأثیر آنها در فهم مفاهیم نهج‌البلاغه است. نگارندگان در بیان کارکردهای ضرب‌المثل در نهج‌البلاغه، بر تصویرآفرینی، فضا سازی و نقش آنها در فهم بیشتر معانی پنهان تأکید ورزیده‌اند، اما به طور خاص در بُعد کاربردشناسی زبان و پیش‌انگاری‌ها سخنی به میان نیاورده‌اند.

۳. تعریف کاربردشناسی

زبان‌شناسی در هر زبانی برای تحلیل و فهم معنا، صرفاً به لغت‌شناسی، صرف و نحو و علوم بلاغی متکی نبوده است، بلکه به معناشناسی و کاربردشناسی نیز توجه ویژه داشته است. کاربردشناسی عامل انسانی - یعنی کاربران زبان - را در تحلیل‌های خود دخیل می‌داند. «از امتیازات کاربردشناسی این است که تحلیل‌گر زبان می‌تواند درباره معنای مد نظر افراد، اهداف، مقاصد و تصورات آنان و نیز نوع کنش‌هایشان در حین گفت‌وگو بحث کند» (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۲۴۱).

به عبارت دیگر، کاربردشناسی استفاده درست از زبان برای تعامل اجتماعی را توصیف می‌کند. این حوزه به قصد گوینده یا نویسنده و معنای ضمنی جمله‌ها می‌پردازد و در مطالعه متن، بافت و کارکرد متن را نیز بررسی می‌کند. «کاربردشناسی یعنی مطالعه تعبیر مقصود گوینده با استفاده از بافتی که کلمات و جمله‌ها در آن به کار رفته‌اند» (قائم‌نیا، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۱۴۹). همچنین کاربردشناسی روابط میان ساخت‌های زبان‌شناختی و کاربران زبان را بررسی می‌کند (همان، ج ۱، ص ۳۶).

کاربردشناسی دارای چهار شاخه مهم است که یکی از آنها، مقوله «پیش‌انگاری» است. «پیش‌انگاری یا پیش‌فرض، عبارت از موضوعی است که گوینده فرض می‌کند پیش از ادای پاره‌گفت حقیقت دارد» (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۵۰). مطابق با این رویکرد، همواره در کاربرد جملات، پاره‌ای محدودیت‌های کاربردشناختی وجود دارد که موجب می‌شود گزاره‌ها فقط زمانی مناسب و به‌جا باشند که در بافتی که در آن قرار گرفته‌اند، مطابق با واقع تشخیص داده شوند.

۴. پیش‌انگاری^۱

پیش‌انگاری از دستاوردهای محوری دانش زبان‌شناسی در فاصله سال‌های ۱۹۶۹-۱۹۷۵ است. این مبحث با تمام انواع نظریه‌های زبان‌شناسی زایشی که زبان را به منزله ابزار انتزاعی جدا از کاربران و نقش‌های زبان مطالعه می‌کرد، در تعارض قرار داشت. پیش‌انگاری در حکم پنداشت و گمان‌هایی در خصوص دانش‌زبانی و جهان‌بینی نویسنده است که آنها را با خوانندگان احتمالی‌اش به اشتراک می‌گذارد، تا اهداف ارتباطی او به خوبی شکل گیرد. مطابق این رویکرد، همواره در کاربرد جملات پاره‌ای محدودیت‌های کاربرشناختی وجود دارد که موجب می‌شود تا گزاره‌ها فقط زمانی مناسب و به‌جا باشند که در بافتی که در آن قرار گرفته‌اند، مطابق با واقع تشخیص داده شوند. به طور کلی باید گفت: «منظور از مفهوم پیش‌انگاری از جمله دست یازیدن به درک و توضیح نقش دانش خارج از زبان در ترکیب انسجام متون است. به عبارت دیگر، پیش‌انگاری یکی از مؤلفه‌های کاربرشناختی است که تابع دانش عالم خارج از زبان و موقعیت‌های کلام است» (البرزی، ۱۳۸۶: ۲۷). این نظریه با بررسی شرایط اقتضا و تناسب گزاره در محیط و بافتی که در آن اظهار می‌شود، می‌تواند ما را در تحلیل برخی جنبه‌های ناپیدای معنا در ضرب‌المثل‌ها یاری رساند. بررسی‌ها در حوزه زبان‌شناسی نشان می‌دهد، پیش‌انگاری در گذشته از جایگاه محوری‌تری در کاربرشناختی زبانی بهره‌مند بوده است؛ در حالی که تأمل در آن، امروزه می‌تواند ما را در تحلیل برخی جنبه‌های ناپیدای معنا یاری رساند. معمولاً - پیش‌انگاری را «موضوعی می‌دانند که گوینده فرض می‌کند پیش از ادای پاره‌گفتار حقیقت دارد. بنابراین، این نه جمله، بلکه گوینده است که پیش‌انگاری دارد» (یول، ۱۳۸۳: ۴۰). در تعریف متأخر از این پدیده، آن را در رابطه با «تضمن‌های مکالمه‌ای قراردادی» بررسی می‌کنند. بر این اساس، پیش‌انگاری معرف شرایط اقتضا و تناسب یک گزاره در محیط و بافتی است که در آن اظهار می‌شود و تضمن‌ها نیز استنتاج‌های کنترل شده مخاطب را از این گزاره‌ها که بر اساس عوامل متعددی شکل می‌گیرد، مطالعه می‌کند. دقت در ساختار کاربرشناختی، این مطلب را به ما خاطر نشان می‌سازد که به جای صحبت از صدق و کذب پیش‌انگاری‌ها، از بجا و نابجا بودن یا مناسب و نامناسب بودن آنها سخن بگوییم. در واقع، آنچه اهمیت این مبحث را روشن می‌کند، توان پیش‌انگاری‌ها برای ابلاغ پیام اصلی گوینده و غرض یا معنی ضمنی کلام او در حین ارتباط است. همین امر می‌تواند افق دلالت‌ها و معنی‌رسانی یک متن را متناسب با زمینه‌ای که در آن قرار می‌گیرد، گسترش دهد. در متون نمادین، زبان متن بدون آنکه پاسخی را بر متن تحمیل کند، خود زمینه‌ساز طرح پرسش‌هایی در ذهن خواننده می‌شود. درحقیقت، همین که تصویری از یک شیء یا یک موضوع در ذهن انسان پدید آمد، ساختار ذهن احتمالات آن را نیز تصور و بررسی می‌کند.

۴-۱. انواع پیش‌انگاری

پیش‌انگاری انواع مختلفی دارد، از جمله: «پیش‌انگاری وجودی^۲، پیش‌انگاری واقعیت‌پذیر^۳، پیش‌انگاری واقعیت ناپذیر^۴، پیش‌انگاری واژگانی^۵ و پیش‌انگاری ساختاری. پیش‌انگاری وجودی فرضی است که بر طبق آن شخص یا شیئی که از طریق به کار بردن عبارت اسمی شناسایی شده است، دارای موجودیت است. پیش‌انگاری واقعیت‌پذیر، فرضی - است که براساس آن اطلاعاتی که بعد از پاره‌ای افعال نظیر (دانستن، متأسف بودن، فهمیدن، آگاه بودن، عجیب بودن) و امثال آن آورده می‌شود، درست تلقی می‌گردد. مانند: الف) نفهمید که او بیمار است = او بیمار بود، ب) متأسفم که به او

گفتم = به او گفتم.

پیش‌انگاری واقعیت‌ناپذیر، پیش‌انگاری است که نادرست بودن آن مفروض است. معمولاً مصادری همچون خواب دیدن، وانمود کردن یا خیال کردن پیش‌فرض یا پیش‌انگاری را با خود دارند که آنچه بعد از آن می‌آید، نادرست است (آفاگل‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۵۲). این نوع از پیش‌انگاری در ساختار شرطی نیز مشاهده می‌شود. «پیش‌انگاری ساختاری فرضی است که به موجب آن بخشی از یک ساختار حاوی اطلاعاتی است که معلوم تلقی می‌شود» (یول، ۱۳۸۳: ۴۳). مانند: او وانمود می‌کند که مریض است = او مریض نیست. پیش‌انگاری با کاربرد کلمات و عبارات در معانی متعدد، دارای گونه‌های مختلفی است که یکی از آنها پیش‌انگاری واژگانی است. «معمولاً در پیش‌انگاری واژگانی، تعبیر متعارف یک صورت {واژه} بر اساس معنی بیان شده {لفظ} و معنی بیان نشده {پیش‌انگاری} آن صورت می‌پذیرد» (همان: ۴۴). مانند: علی در آزمون وکالت قبول شد = آزمون وسیله‌ای برای سنجش دانش افراد است / موفقیت علی وابسته به قبولی در آزمون است.

۴-۲. پیش‌انگاری در امثال نهج‌البلاغه

یکی از مظاهر فرهنگ و تمدن و ادبیات هر کشور، امثال و حکم یا همان گفتار کوتاه و حکیمانه است. امثال و حکم در واقع همان سنت‌ها، عادات و تعابیر مردمی است که با در برداشتن حکایات، تعلیم دینی، تذکرات، موعظه‌ها و اندرزها ساختار اساسی زندگی اجتماعی، سیاسی، دینی و فرهنگی جامعه انسانی را شکل می‌دهد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۰۷). در این میان، پیش‌انگاری به عنوان راهی برای فهم بهتر امثال، نسبت به سایر راهبردهای کاربردی در درک منظور گوینده بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد، زیرا علاوه بر اینکه به دانش و علم گوینده بستگی دارد، جهان بینی و افکار او را نیز آشکار می‌نماید. در این راهبرد، به بررسی انواع پیش‌انگاری بر اساس موضوع در پاره‌ای از امثال پرداخته می‌شود، چرا که هر جمله هم‌زمان می‌تواند چند پیش‌انگاری را در برگیرد. بنابراین تقسیم‌بندی خاصی در این بخش صورت نمی‌گیرد و تنها به بررسی انواع پیش‌انگاری بر اساس موضوع پرداخته می‌شود. سپس در قالب جدول توضیحات لازم ارائه می‌گردد. به عنوان مثال حضرت علی (ع) با اشاره به نافرمانی‌هایی که انسان در قبال دستورات الهی مرتکب می‌شود، به طور غیرمستقیم به آنها گوشزد می‌نماید که در راه اطاعت از خداوند، نباید از هیچ مخلوقی پیروی نمود، چرا که حق تعالی به سود و زیان انسان واقف‌تر است و هر سخنی که برای انسان بیان نموده، در حقیقت سعادت او را در آن رهنمود قرار داده است و شایسته است که انسان این دستورات را به خوبی به کاربندد، آنجا که فرموده است: «لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ» (حکمت ۱۵۶). پیش‌انگاری موجود در این حکمت، استمرار نافرمانی انسان نسبت به پروردگار خویش و عدم اجرای دستورات الهی و عدم موفقیت ایشان در زندگی و به جای آن، پیروی از مخلوق برای رسیدن به منافع دنیایی است. ساختار جمله، بیانگر این نکته است که با نافرمانی از دستورات الهی، سرانجام نیکی نصیب انسان نخواهد شد.

از سوی دیگر، عبارت فوق را می‌توان بر مبنای پیش‌انگاری وجودی که در هر عبارتی موجود است، مورد بررسی قرار داد، زیرا شامل اطلاعاتی است که زیر ساخت‌های گفتگو را بنا می‌کند و گفتگو بر اساس آن شکل می‌گیرد. مضمون کلام شامل اطلاعات زیر است:

پیش‌انگاری وجودی: نافرمانی از خدا وجود دارد

پیش‌انگاری وجودی: مخلوق از خالق نافرمانی می‌کند

پیش‌انگاری وجودی: خالق وجود دارد و مخلوق هم وجود دارد.

به دلیل ذکر واژه‌ها به صورت نکره، به جز خالق که همواره معرفه است، روی سخن امام (ع) با شنونده‌ای است که در هر جا و هر جنسیتی امکان نافرمانی از خالق را دارا می‌باشد. شنونده در کنار معنای زبانی معانی ضمنی را نیز درک می‌کند و سرزنش امام را در این عبارت می‌فهمد.

پیش‌انگاری ساختاری: طاعت دارای مرتبه و انواع است (بر اساس کاربرد کلمه طاعت همراه با لای نفی جنس).

پیش‌انگاری ساختاری: معصیت دارای مرتبه است.

پیش‌انگاری ساختاری: هیچ گونه نافرمانی از خداوند جایز نیست.

براساس پیش‌انگاری‌های این پاره‌گفتار از نگاه امام (ع) استنباط می‌گردد که هر گونه سرکشی از فرامین الهی مشروعیت ندارد و انسان نباید برای رضایت مخلوق به ناسپاسی و سرکشی از خالق روی آورد.

امام علی (ع) در گفتاری برای بیان ارزش پاکدامنی و عفاف در جامعه و اینکه این صفت در بین مردم رواج اندکی داشته است، همگان را به داشتن این صفت پسندیده دعوت می‌نماید آنجا که فرموده است: «الْعِفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ». (حکمت ۶۵). پیش‌انگاری موجود در این پاره‌گفتار به این صورت می‌باشد که گویی ویژگی پاکدامنی که همان درست زندگی کردن و پرهیز از ناپسندی‌های ناشی از فقر و نداری است، در میان مردم وجود ندارد و حضرت با این سخن شریف مخاطب را به داشتن این صفت دعوت می‌کند.

پاره‌گفتار فوق بر اساس پیش‌انگاری وجودی و واژگانی و ساختاری به قرار زیر می‌باشد:

پیش‌انگاری وجودی: فقر وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: پاکدامنی وجود دارد.

پیش‌انگاری ساختاری: فقیر هم می‌تواند مزین باشد.

پیش‌انگاری ساختاری: زینت خوب است.

پیش‌انگاری ساختاری: مفاهیم اخلاقی می‌توانند زینت باشند.

اصولا در هر جامعه‌ای پدیده فقر وجود دارد و طبیعی است که فقر پیامدهای ناپسند اجتماعی و فردی خاص خود را دارد. آنچه در این میان حائز اهمیت است، تبدیل نشدن فقر به راهی برای به فساد کشیده شدن انسان‌ها است و به تبع آن یافتن راهی برای خارج شدن از فقر. بدیهی‌ترین فرض برای راهی از اثرات ناپسند این پدیده، روی آوردن انسان به خویش‌داری و پایداری و عدم گرایش به پلیدی‌ها و ناپسندی‌ها است. امام علی (ع) نیز به تمام ابعاد فردی و اجتماعی انسان توجه نموده و مقصود ایشان از ذکر این سخن، این است که وظیفه انسان علاوه بر ممانعت از فقر، ممانعت از فراهم کردن زمینه فقر و یا حداقل پوشاندن آن با پاکدامنی و خود نگهداری است. به عبارت دیگر همانطور که انسان در برابر اعمال خویش مسئول است، به سبب پیوستگی اعضای جامعه با یکدیگر، در برابر فراهم کردن زمینه ارتکاب گناه برای دیگران نیز مسئولیت دارد.

حضرت در بیانی دیگر، مخاطبان خویش را که در انجام امور زندگی راه تفریط و یا راه افراط و زیاده‌روی را در

پیش‌گرفته‌اند، به طور غیر مستقیم دعوت به میانه‌روی و دوری از هرگونه افراط و یا تفریط و اطاعت از پروردگار را مطرح می‌نمایند، آنجا که می‌فرمایند: «الطَّرِيقُ الْوُسْطَى هِيَ الْمَجَادَّةُ» (خطبه ۱۶). (ترجمه) «راه راست راه میانه است». امام علی(ع) در این پاره‌گفتار بر میانه‌روی در امور و دوری از انحراف در انجام کارها تأکید نموده‌اند. بر اساس پیش‌انگاری‌های مورد بحث، موارد زیر را می‌توان شناسایی نمود:

پیش‌انگاری وجودی: راه میانه وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: راه انحرافی وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: انتخاب راه وجود دارد.

پیش‌انگاری ساختاری: میانه‌روی نوعی راه پیمودن است.

پیش‌انگاری ساختاری: انسان دارای قدرت انتخاب راه و مسیر است.

پیش‌انگاری ساختاری: زندگی کردن نوعی پیمودن مسیر است.

پیش‌انگاری ساختاری: (الطریق) زندگی یک مسیر ندارد.

پیش‌انگاری ساختاری: (الطریق الوسطی) اعتدال در زندگی انتخابی است.

پیش‌انگاری ساختاری: (الجدّة) مسیر زندگی حرکت به سمت جلو است.

اطلاعات مفروض در این پاره‌گفتار، حاکی از این است که از نگاه امام (ع)، انسان همواره باید مسیر اعتدال و میانه‌روی را در پیش بگیرد، زیرا او مسئول است و این امر در تعامل اجتماعی اهمیت فراوانی دارد. کلمه (الطریق) نشان از حرکت در مسیر زندگی و حرکتی رو به جلو است. آنچه در اینجا حائز اهمیت است، انتخاب مسیر درست و دوری از انحراف می‌باشد. امام (ع) از مخاطب می‌خواهد که جانب احتیاط را رعایت کند، موقعیت را بسنجد و براساس آن عمل نماید.

حضرت علی(ع) با بیان اینکه کسی که از هوای نفس و غرور و فخرفروشی خویش پیروی کند، انسان بیچاره‌ای است، به طور غیر مستقیم و در قالب پیش‌انگاشتی واقعیت‌پذیر بیان می‌دارد که بی‌شک در بین انسان‌ها افرادی هستند که پیرو هوای نفس خود می‌باشند و این افراد در حقیقت انسان‌های بیچاره‌ای هستند، آنجا که فرموده است: «الشَّقِيُّ مَنْ- اِخْتَدَعَ لِهَوَاهُ وَغُرُورِهِ» (خطبه ۱۵۵). توصیف نگون‌بختی انسان‌هایی که اسیر هواهای نفسانی خود در زندگی می‌باشند، در این پاره‌گفتار نشان از بیانی تلویحی و غیرمستقیم از جانب امام علی(ع) دارد و به مخاطب گوشزد می‌نماید که انسان باید از این خصیصه نادرست یعنی پیروی از هوای نفس دوری نماید.

به منظور بررسی بیشتر این پاره‌گفتار، به بررسی پیش‌انگاری‌های موجود در این سخن پرداخته می‌شود:

پیش‌انگاری وجودی: بدبخت و بدبختی وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: فریب وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: هوای نفس وجود دارد.

پیش‌انگاری ساختاری: هوای نفس ویرانگر است.

پیش‌انگاری ساختاری: انسان می‌تواند به اسارت هوای نفس درآید.

پیش‌انگاری ساختاری: پیروی از هوای نفس بدبختی است.

پیش‌انگاری ساختاری: شقاوت بد است.

پیش‌انگاری واقعیت‌پذیر: در جامعه افرادی هستند که پیرو هوای نفس خود شده و به بیراهه رسیده‌اند. معانی مذکور و نهفته در پاره‌گفتار، مقصود ضمنی و منتقل شده به مخاطب است که امام (ع) آنها را مفروض پنداشته و به کمک آنها به ویژگی‌های نفس بشری اشاره می‌کند تا این پیام را به مخاطب القا کند که با عقل و درایت نفس خود را مهار کرده و به سعادت اخروی دست یابد.

امیرالمومنین (ع) ضمن ترغیب نمودن اصحاب به جهاد و مبارزه با ظالمان، از اینکه آنان نمی‌توانند در تصمیماتشان برای جهاد در راه خدا ثابت قدم باشند و با پشت سرگذاشتن شب و آغاز روزی دیگر، تصمیم آنها تغییر می‌کند، اظهار تأسف می‌نماید و آنها را از این صفت ناپسند بر حذر می‌دارد، آنجا که می‌فرماید: «مَا أَنْقَضَ النَّوْمَ لِعَزَائِمِ الْيَوْمِ» (خطبه ۲۱۱). پیش‌انگاری موجود در این پاره‌گفتار، افسوس خوردن حضرت درباره وجود این ویژگی در بین اصحاب است که آنان را از این واقعیت بر حذر می‌دارد. هدف از این عبارت ایجاد همبستگی و یکپارچگی در اتخاذ تصمیم است. اصول و مبانی سخن امام (ع) بر اساس پیش‌انگاری‌های وجودی از این قرار است:

پیش‌انگاری وجودی: خواب وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: تصمیم و عزم و اراده وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: نقصان و کاستی وجود دارد.

پیش‌انگاری ساختاری: تصمیم انسان قابل تغییر است.

پیش‌انگاری ساختاری: اراده می‌تواند محکم و یا سست باشد.

پیش‌انگاری ساختاری: اراده سست و تغییر در آن به شکستن شباهت دارد.

پیش‌انگاری واقعیت‌پذیر: بسیاری از مردم به دلیل سستی، در امور مختلف عقب می‌مانند.

بر این اساس، منظور امام (ع) این است که داشتن اراده قوی در زمان اختیار و تلاش برای رسیدن به مقصود، همواره باید مورد توجه انسان باشد، چرا که عدم برخورداری از این صفت، منجر به پراکندگی و نفاق می‌شود.

حضرت علی (ع) در باب شک و انواع آن ضمن نکوهش این خصیصه در بین مردم، آنها را از فرو رفتن در این ورطه بر حذر داشته است، آنجا که فرموده است: «مَنْ تَرَدَّدَ فِي الرَّيْبِ وَطِئَتْهُ سَنَابِكُ الشَّيَاطِينِ» (حکمت ۳۰). پیش‌انگاری موجود در این عبارت، عدم تحقق این ویژگی در مخاطب است، چرا که در صورت وجود چنین صفتی در او، این رویه محقق و قطعی می‌گردد. مبنای سخن امام (ع) دوری از شک و تردید است. امام (ع) عامل اختلاف و نرسیدن به هدف را دودلی و تردید معرفی نموده است. اساس و مبنای پیش‌انگاری‌های این پاره‌گفتار به قرار زیر است:

پیش‌انگاری وجودی: شک و تردید وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: شیطان وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: فریب شیطان وجود دارد.

پیش‌انگاری ساختاری: اساس کار شیطان گمراهی و هلاکت انسان است.

پیش‌انگاری ساختاری: (فی الریب) شک و تردید همچون گودالی است که انسان ممکن است در آن هلاک شود.

پیش‌انگاری ساختاری: در هر لغزش انسان، شیطان نقش دارد.

پیش‌انگاری ساختاری: (تَرَدَّد) انسان ممکن است دچار تردید شود.

پیش‌انگاری ساختاری: تردید اگر در شخص محقق گردد سبب هلاکت می‌شود.

استمرار در ثابت قدم بودن و یقین داشتن در کارها و اعتقادات امری است که امام علی (ع) همواره در هر سخنی بدان اشاره داشته‌اند.

همچنین امام (ع) در توصیف اشخاصی که با برپاشدن عدالت مخالفت می‌ورزیدند و آن را مخالف منافع خود می‌دانستند، بیان می‌دارد که چنین افرادی هرگز تاب تحمل ظلم و ستم علیه خود را نخواهند داشت، آنجا که فرموده است: «مَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَاَلْجَأُ عَلَيْهِ أَضْيَقُ» (خطبه ۱۵). پیش‌انگاری این عبارت عدم صحت اطلاعات آن است، یعنی هنوز عدالت بر او ناگوار نیامده است. در صورت عدم قبول عدالت از جانب مخاطب، جور و ستم بیشتر بر او گران می‌آید. پیش‌انگاری‌های موجود در ساختار و واژگان این عبارت شریف به شرح زیر می‌باشد:

پیش‌انگاری وجودی: عدل وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: ستم وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: صفت ناتوانی وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: در تنگنا قرار گرفتن وجود دارد.

پیش‌انگاری ساختاری: عدالت و ستم‌گری دو مقوله جدا هستند.

پیش‌انگاری ساختاری: انسان قدرت انتخاب دارد.

پیش‌انگاری ساختاری: هر انسانی ممکن است از عدالت گریزان باشد.

پیش‌انگاری ساختاری: شدت درگیر شدن انسان با مشکلات، می‌تواند دارای حد و اندازه باشد.

پیش‌انگاری واقعیت‌پذیر: هر کسی که عدالت را برنتابد، بی‌شک ظلم و ستم بیشتر او را آزرده خواهد کرد.

بی‌تردید این کلام امام (ع) خطاب به همه انسان‌ها در هر زمانی می‌باشد و توصیه ایشان بالا رفتن تحمل مخاطب در پذیرش عدالت و استمرار آن است.

ایشان در بیانی گهربار، بار دیگر با آوردن عبارتی شرطی، عدم تحقق یک امر را بیان می‌دارد و پیش‌انگاری آن را نبود اطلاعات در واقعیت می‌داند، چرا که در صورت موجود بودن، آن صفت محقق خواهد شد، آنجا که می‌فرماید: «مَنْ لَانَ عَوْدُهُ كَثُرَتْ أَغْصَانُهُ» (حکمت ۲۰۵). نرم‌خو بودن برای داشتن دوستان بیشتر ضروری است که در صورت تحقق، عملی خواهد شد. کسی که اخلاق نیک داشته باشد، قطعاً دوستان و یاران وی نیز فراوان خواهند شد. بر اساس بافت موقعیتی دعوت از مخاطب برای نیک‌خویی در این عبارت، گویای باور امام (ع) به این خصیصه مهم است. از طرفی نیز غفلت از این صفت می‌تواند اشاره‌ای بر آثار مخرب و زیان‌آور بدخلقی باشد. بنابراین مفروضات و تعهدات امام (ع) در اینجا از این قرار است:

پیش‌انگاری وجودی: خوش خلقی وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: دوست وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: انسان خوش اخلاق وجود دارد.

پیش‌انگاری ساختاری: خوش اخلاقی لازمه دوستان فراوان است.

پیش‌انگاری ساختاری: بد اخلاقی باعث کاهش دوستی می‌شود.

پیش‌انگاری ساختاری: خوش‌خویی اندک اندک دوستان را افزایش می‌دهد.

منظور امام (ع) از طرح این موضوع توجه به اخلاق به عنوان امری مهم برای غلبه بر مشکلات و کاستی‌ها و در جهت یافتن یاران بیشتر می‌باشد.

حضرت علی(ع) در پاره‌گفتاری دیگر، مردم را به پیروی از حق و دوری از باطل ترغیب می‌نماید. پیش‌انگاری موجود در این پاره‌گفتار، تقسیم راه به دو راه واضح و درست و راه تاریک و نادرست می‌باشد که در ضمن گفتار درک می‌شود، آنجا که فرموده‌اند: «مَنْ سَلَكَ الطَّرِيقَ الْوَاضِحَ وَرَدَ الْمَاءَ» (نامه ۱۹۲). (ترجمه) «هر که راه راست را پیماید به آبادی می‌رسد و از تشنگی می‌رهد». معانی ضمنی و مفروضات و اطلاعات این پاره‌گفتار به قرار زیر است:

پیش‌انگاری وجودی: راه راست وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: رستگاری وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: راه‌های مختلف در زندگی وجود دارد.

پیش‌انگاری ساختاری: انسان در زندگی مسیرهای مختلفی پیش رو دارد.

پیش‌انگاری ساختاری: انسان دارای قدرت انتخاب است.

مقصود امام (ع) از راه روشن، راهی است که سعادت دنیا و آخرت مخاطب در پیمودن آن مسیر است تا وی با استدلال و استنتاج خود به این نتیجه برسد و تأثیر را بپذیرد.

امام علی(ع) در گفتاری دیگر، ضمن توصیف مال و دارایی به عنوان سرمنشأ همه خواسته‌های نفسانی، از پیش‌انگاری وجودی برای بیان مراتب و علل دیگر پیروی از تمایلات نفسانی استفاده فرموده و به طور غیر مستقیم این نکته را گوشزد نموده‌اند که تبعیت از هوای نفسانی درجاتی دارد که در رأس آنها مال و ثروت می‌باشد، آنجا که می‌فرمایند: «الْمَالُ مَادَّةُ الشَّهَوَاتِ» (حکمت ۵۵). (ترجمه) «دارائی مایه و پایه شهوت‌ها و خواهش‌ها است (زیرا دارائی دست را برای رسیدن به آرزوهای نفسانی باز می‌گذارد)». این کلام ارزشمند رابطه بین دارایی و هواهای نفسانی را به روشنی بیان می‌دارد، زیرا هر چقدر دارایی و رفاه انسان بیشتر باشد، هواپرستی و پیروی از خواهش‌های نفسانی نیز بیشتر می‌شود و عکس آن نیز صادق است. مفاهیم پنهان و مفروضات موجود در گفتار امام (ع) به شرح زیر است:

پیش‌انگاری وجودی: دارایی وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: هوای نفس وجود دارد.

پیش‌انگاری ساختاری: دارایی فساد زاست.

پیش‌انگاری ساختاری: هواپرستی مراتبی دارد که در رأس آن حُب مال و دارایی می‌باشد.

به طور کلی مقصود امام (ع) از این پاره‌گفتار، آگاه کردن مخاطب از خطرات مال‌پرستی و عواقب سوء و زیان‌بار آن است و کلام ایشان حاوی معنای احتیاط و هشدار و تحذیر است.

حضرت علی(ع) ضمن توصیف نمودن وقایع آخر الزمان و فتنه‌ها و آشوب‌های آن دوره، دنیا را به مانند موجودی به تصویر می‌کشند که با انواع بلاها به انسان حمله‌ور می‌شود، آنجا که می‌فرمایند: «صَالَ الدَّهْرُ صِيَالِ السَّيِّعِ الْعُقُورِ» (خطبه ۱۰۷). (ترجمه) «روزگار حمله آورد مانند حمله درنده گزنده». در تحلیل ساختار این جمله، فرض

درندگی و حمله‌کنندگی دنیا صحیح پنداشته شده و بدین‌ترتیب تشبیه دنیا به حیوانی درنده‌خو و خون‌ریز به عنوان فرضی صحیح انگاشته می‌شود که صحت آن تنها از طریق ساختار جمله درک می‌شود. برای درک بهتر مفاهیم ضمنی این پاره‌گفتار بررسی پیش‌انگاری‌های آن ضروری به نظر می‌رسد:

پیش‌انگاری وجودی: روزگار وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: حمله کردن وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: درندگی وجود دارد.

پیش‌انگاری ساختاری: روزگار درنده و گزنده است.

پیش‌انگاری ساختاری: روزگار حمله‌کننده است.

پیش‌انگاری ساختاری: اعتماد کردن به روزگار نادرست است.

پیش‌انگاری ساختاری: پیش‌آمدها و ناگواری‌های زندگی همانند حمله کردن است.

پیش‌انگاری ساختاری: ناگواری‌ها و مشکلات می‌توانند گزنده باشند.

این عبارت، تعبیری از آثار منفی اعتماد به دنیا و روزگار است. به باور امام (ع) آنچه که انسان را از چنین عملی حفظ می‌کند، آگاه شدن به ماهیت و عناصر وجودی روزگار است. هوشیار بودن در برابر حیل‌های دنیا و زر و زیور آن پایه و زیربنای مفاهیم ضمنی این پاره‌گفتار است.

امام علی (ع) دنیا را به مانند مزرعه‌ای فرض نموده است که انواع مختلف محصول از آن برداشت می‌شود، از جمله اینکه خوارج یا منافقین یا اصحاب معاویه و غیر ایشان، تخم نافرمانی را (در کشتگاه دل‌های مردم) کاشته، به غفلت و فریب آن را آب داده و در نتیجه هلاکت را درو کردند (پس سعادت دنیا و آخرت را از دست دادند)، آنجا که می‌فرمایند: «زَرَعُوا الْفُجُورَ وَسَقَوْهُ الْعُرُورَ وَ حَصَدُوا التَّبُورَ» (خطبه ۲). در این پاره‌گفتار فرض کشت‌زار بودن دنیا صحیح پنداشته شده است و بدین‌ترتیب کشت فسق و فجور و برداشت هلاکت و نابودی با فرض تشبیه نمودن اعمال به محصولی قابل کشت، صحیح انگاشته می‌شود. مقصود امام (ع) از بیان چنین پاره‌گفتاری، بیدار نمودن قلب‌های یاران خویش در برابر مکر و دشمنی اصحاب معاویه با ایشان و تلاش آنها برای فریب‌کاری در امر حکومت‌داری می‌باشد. بنابراین پیش‌انگاری‌های این عبارت به قرار زیر است:

پیش‌انگاری وجودی: کشت محصول وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: برداشت محصول وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: فسق و فجور وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: سستی و هلاکت وجود دارد.

پیش‌انگاری ساختاری: نافرمانی از دستورات الهی تبعات دارد.

پیش‌انگاری ساختاری: هلاکت نتیجه سرکشی است.

پیش‌انگاری ساختاری: حیل و نیرنگ نتایج ناپسندی در پی دارد.

بر این اساس، فرض می‌شود مخاطب ماهیت نافرمانی از فرامین الهی و دستورات امام (ع) را می‌شناسد و بیان امام (ع) درباره ارتباط نافرمانی با هلاکت در دنیا و آخرت را ضمن کلام درک می‌کند.

حضرت (ع) در ادامه نصائح و سخنان حکیمانه خویش بیان می‌دارند که انسان با تحمل سختی‌ها و رنج‌ها به سروری و آقایی می‌رسد، آنجا که می‌فرمایند: «بِإِحْتِمَالِ الْمَوْنِ يَجِبُ السُّؤْدُ» (حکمت ۲۱۵). در تحلیل ساختار این جمله بیان راه کار برای رسیدن به سروری، فرض وجود راه‌های متعدد در دستیابی به این هدف را صحیح فرض می‌نماید. بدین ترتیب شنونده پیش فرض تعدد در مسیر راهیابی به عزت و بزرگی را صحیح می‌پندارد. محتوای بیانی این فراز از حکمت، آگاه‌سازی و ترغیب مخاطب برای پیدا کردن مسیر درست رسیدن به بزرگی و سروری در بین مردم است. پیش‌انگاری‌های موجود در این پاره‌گفتار بدین صورت می‌باشد:

پیش‌انگاری وجودی: رنج‌ها و سختی‌ها وجود دارند.

پیش‌انگاری وجودی: سروری و بزرگی وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: راه برای رسیدن به بزرگی وجود دارد.

پیش‌انگاری ساختاری: اساس رسیدن به بزرگی بر پایه تحمل سختی‌ها است.

پیش‌انگاری ساختاری: سختی‌ها پلکان ترقی معنوی انسان هستند.

پیش‌انگاری ساختاری: (بِإِحْتِمَالِ) مهمترین و اثرگذارترین راه برای رسیدن به بزرگی در تحمل دشواری‌ها و درک مشکلات مردم خلاصه می‌شود.

حضرت (ع) در بیانی گهربار بیان می‌دارند که اگر انسان راه جدال بی‌فایده و شک و تردید را پیشه کار خویش قرار دهد، هرگز به یقین و راه رستگاری نمی‌رسد، آنجا که می‌فرمایند: «مَنْ جَعَلَ الْمِرَاءَ دَيْدَنًا لَمْ يُصْبِحْ لَيْلَةً» (حکمت ۳۰). وجود عبارت شرطی، پیش‌انگاری قابل فهم از این عبارت را اینگونه بیان می‌دارد، که در صورتی که انسان منازعه و شک و تردید را کنار بگذارد، به یقین و درستی دست خواهد یافت. مبنای سخن امام (ع)، اشاره به عوامل و موانع اصلی نرسیدن به یقین و اطمینان است که یکی از آنها جدال بی‌مورد در جایی است که بحث و سخن فایده‌ای ندارد. بنابراین پیش‌انگاری‌های این پاره‌گفتار بدین صورت می‌شود:

پیش‌انگاری وجودی: جدال و جرّ و بحث وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: عادت وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: یقین وجود دارد.

پیش‌انگاری ساختاری: روشنایی یقین با دوری از مجادله بی‌حاصل بدست می‌آید.

پیش‌انگاری ساختاری: مجادله بی‌حاصل مانع رسیدن به یقین است.

پیش‌انگاری ساختاری: یقین با جر و بحث بی‌حاصل در تضاد است.

پیش‌انگاری ساختاری: برای رسیدن به یقین موانع مختلفی بر سر راه انسان است.

به طور کلی امام (ع) در کلام خویش، تحذیر و هشدار به مخاطب و دعوت او به احتیاط را در کانون توجه خویش قرار داده‌اند. تحلیل نمونه‌های مذکور میزان تأثیرگذاری پیش‌انگاری‌ها به عنوان توافقات ضمنی بین گوینده و مخاطب را بیان نمود و کیفیت عملکرد نگرش امام (ع) و باورهای ایشان را در ارائه مطالب نشان داد. این مفروضات و تعهدات در غالب سخنان امام (ع) وجود دارد. نمونه‌های کامل این مبحث در قالب جدول زیر ارائه می‌گردد:

ردیف	پاره گفتار	پیش‌انگاری
۱	آخِرُ الدَّوَاءِ الْكَيُّ (خطبه ۱۶۷).	پیش‌انگاری ساختاری: داغ کردن درمان است. پیش‌انگاری وجودی: بیعت شکستن وجود دارد پیش‌انگاری ساختاری: نتیجه بیعت شکستن، جنگیدن است.
۲	اِتِّبَاعُ الْكَلْبِ لِلضَّرْغَامِ يَلُوذُ بِمَخَالِبِهِ (نامه ۳۹).	پیش‌انگاری وجودی: انسان ضعیف وجود دارد و انسان درنده‌خو وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: انسان به سبب پیروی از خواسته نفس پست و حقیر می‌شود. ...
۳	أَحَبُّ حَبِيبِكَ هَوْنًا مَا (حکمت ۲۶۰).	پیش‌انگاری وجودی: دوستی وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: حد اعتدال وجود دارد پیش‌انگاری ساختاری: دوستی افراطی زیان‌بار است.
۴	اِخْتَطَفَتْ مَا قَدَّرْتَ عَلَيْهِ مِنْ أَمْوَالِهِمُ الْمَصُونَةُ لَأَرَامِلِهِمْ وَ أَيْتَامِهِمْ اِخْتَطَفَ الذَّنْبُ الْأَزْلَ دَامِيَةً الْمِعْزَى الْكَسِيرَةَ (نامه ۴۱).	پیش‌انگاری وجودی: غارت وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: سنگدلی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: پایمال نمودن حقوق زنان و یتیمان در جنگ، محکوم است. پیش‌انگاری ساختاری: قوی، ضعیفِ درمانده را نابود می- کند.
۵	اِخْتَلَفَ النَّجْرُ وَتَشَتَّتَ الْأَمْرُ (خطبه ۲).	پیش‌انگاری وجودی: اختلاف وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: دین وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: اختلاف در دین باعث تضعیف آن است.
۶	وَ أَيْمُ اللَّهِ لَا بُقْرَنَ الْبَاطِلَ حَتَّى أَخْرَجَ الْحَقَّ مِنْ خَاصِرَتِهِ (خطبه ۱۰۳).	پیش‌انگاری وجودی: حق وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: حق گرفتنی است. پیش‌انگاری ساختاری: حق و باطل گاه در هم آمیخته می- شود.
۷	إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ (حکمت ۶۸).	پیش‌انگاری وجودی: عقل و خرد وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: گفتار وجود دارد. پیش‌انگاری واقعی: ناپذیر: کم‌گویی به کامل شدن عقل بستگی دارد.

ردیف	پاره‌گفتار	پیش‌انگاری
۸	إِذَا لَمْ يَكُنْ مَا تُرِيدُ فَلَا تُبَلِّ كَيْفَ كُنْتَ (حکمت ۶۶).	پیش‌انگاری وجودی: خواستن وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: آزادی عمل وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: لازمه آزاد بودن، انجام دلخواه امور است.
۹	ارْتَوَى مِنْ آجِنٍ (خطبه ۱۷).	پیش‌انگاری ساختاری: گفتار و کردار اگر بر پایه حق و حقیقت نباشد، زیان‌آور است. پیش‌انگاری واژگانی (ارتوی): رسیدن به خواسته‌های نادرست به مانند سیراب شدن از آبی متعفن است.
۱۰	أَرْعَدُوا وَ أَبْرَقُوا (خطبه ۸).	پیش‌انگاری وجودی: جنگ وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: لاف و گرافه‌گویی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: برخی سخنان نسنجیده عامل ایجاد جنگ است.
۱۱	أَعْذَرَ بِمَا أُنْذَرَ (خطبه ۸۲).	پیش‌انگاری وجودی: خداوند وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: خدا اتمام حجت دارد. پیش‌انگاری ساختاری: انذار نوعی اتمام حجت است پیش‌انگاری ساختاری: ساختار آفرینش خداوند بی‌نقص است.
۱۲	أَكْبَرُ مَكِيدَتِهِ أَنْ يَمْنَحَ الْقَوْمَ سُبَّتَهُ (خطبه ۸۳).	پیش‌انگاری وجودی: حيله و مکر وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: به‌کارگیری مکر در جنگ نشانه خواری آن فرمانده است. ..
۱۳	أَمْحَى الظُّلْمَ لِتَذَاكِيرِ الْهَمَمِ (خطبه ۲۱۱).	پیش‌انگاری وجودی: تصمیم وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: شب و تاریکی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: تصمیم‌ها در گذر زمان دست خوش تغییرند. پیش‌انگاری ساختاری: (أَمْحَى) تغییر در تصمیم به مانند از بین رفتن آن است.
۱۴	أَمَرْتُكُمْ أَمْرِي بِمَنْعِجِ اللَّوَى (خطبه ۳۵).	پیش‌انگاری وجودی: رأی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: بیان دستور در هر مکان امکان‌پذیر است.

ردیف	پاره گفتار	پیش‌انگاری
۱۵	أَنَا دُونَ مَا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا فِي نَفْسِكَ (حکمت ۸۰).	پیش‌انگاری وجودی: اندیشه وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: فضیلت وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: دُونَ وَفَوْقَ فراوانی فضیلت در بالا و کمبود آن در پایین قرار می‌گیرد.
۱۶	انْفَجَرْتُمْ عَنِ السَّرَارِ (خطبه ۴).	پیش‌انگاری وجودی: بدبختی وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: راه نجات وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: رهایی از گمراهی مانند خارج شدن از تاریکی شب است.
۱۷	إِنَّ الْعَطِيَّةَ عَلَى قَدَرِ النِّيَّةِ (نامه ۳۱).	پیش‌انگاری وجودی: بخشش وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: نیت وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: نیت پاک‌دعاها را مستجاب می‌کند.
۱۸	إِنَّ غَدًا مِنَ الْيَوْمِ قَرِيبٌ (خطبه ۱۵۶).	پیش‌انگاری وجودی: مرگ وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: (الْيَوْمُ) دنیا همانند امروز است. پیش‌انگاری ساختاری: (غَدًا) قیامت همانند فردا است.
۱۹	إِنَّهَا خُدْعَةُ الصَّبِيِّ عَنِ اللَّبَنِ فِي أَوَّلِ الْفِصَالِ (نامه ۶۴).	پیش‌انگاری وجودی: فریب‌کاری وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: (الفِصَالِ): بازپس‌گیری حکومت مانند از شیر گرفتن کودک است.
۲۰	أَهْلُ الدُّنْيَا كَرَكَبٍ يُسَارُّ بِهِمْ وَهُمْ نِيَامٌ (حکمت ۶۱)	پیش‌انگاری وجودی: خواب وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: بی تفاوتی انسان نسبت به آخرت خود مانند خواب رفتن است.
۲۱	أَوْرَى قَبَسَ الْقَابِسِ (خطبه ۷۱).	پیش‌انگاری وجودی: آفریدگار وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: گسترش علم و خداپرستی همانند شعله ور شدن آتش محبت خداوند به بندگانش است.
۲۲	أَيَادِي سَبَأَ (خطبه ۹۶).	پیش‌انگاری وجودی: سستی و ترس وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: قوم سبأ وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: ضعف درونی یاران باعث شکست در جنگ می‌شود.
۲۳	إِيَّاكَ وَ مَا يُعْتَذَرُ مِنْهُ (نامه ۳۳).	پیش‌انگاری وجودی: عذرخواهی وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: عامل پوزش خواهی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: اشتباه در کارها سبب پشیمانی است.

ردیف	پاره‌گفتار	پیش‌انگاری
۲۴	بَاعَ الْيَقِينَ بِشَكِّهِ وَالْعَزِيمَةَ بِوَهْمِهِ (خطبه ۱).	پیش‌انگاری وجودی: شیطان وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: وسوسه وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: فریب خوردن وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: (باع) همراهی با وسوسه شیطان منجر به از دست دادن بهشت می‌شود.
۲۵	بِاحْتِمَالِ الْمُؤْنِ يَجِبُ السُّؤْدُ (حکمت ۲۱۵).	پیش‌انگاری وجودی: رنج و سختی وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: بزرگی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: تحمل سختی زمینه ساز ترقی است.
۲۶	بَعْدَ اللَّتْيَا وَالَّتِي (خطبه ۵).	پیش‌انگاری وجودی: پیش‌آمدناگوار وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: گمان بردن وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: ظن و گمان بد زمینه ساز پیش‌آمد ناگوار است.
۲۷	تُرْسِلُ فِي غَيْرِ سَدَدٍ (خطبه ۱۶۱).	پیش‌انگاری وجودی: سوال پرسیدن وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: (فِي غَيْرِ سَدَدٍ) درخواست انجام کاری در غیر از وقت آن مانند رها کردن افسار در غیر موقع خود است.
۲۸	تَزُولُ الْجِبَالُ وَلَا تَزُلُ (خطبه ۱۱).	پیش‌انگاری وجودی: استقامت وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: کوه‌سمل استقامت و پایداری است.
۲۹	تَعُجُّ مِنْهُ الْمَوَارِيثُ (خطبه ۱۷).	پیش‌انگاری وجودی: ظلم و ستم وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: میراث وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: حاکمان ظالم غارت گر میراث‌ها هستند.
۳۰	تَقْصُرُ دُونَهَا الْأَنْوُقُ وَيُحَادِثُ بِهَا الْعَيُوقُ (نامه ۶۵).	پیش‌انگاری وجودی: ستاره عیوق وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: عقاب وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: درک مقام و منزلت امام (ع) نیازمند بینش عمیق است.
۳۱	التَّقْوَى مَطَايَا ذُلٍّ حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا (خطبه ۱۶).	پیش‌انگاری وجودی: تقوی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: انسان با تقوی می‌تواند نفس را مهار کند.

ردیف	پاره گفتار	پیش‌انگاری
۳۲	تَمِيدُ بِأَهْلِهَا مَيْدَانَ السَّقِينَةِ (خطبه ۱۸۷).	پیش‌انگاری وجودی: دنیا وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: اهل دنیا وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: سختی‌ها و مشکلات زندگی همواره وجود دارند.
۳۳	تَكَلَّتْكَ أُمُّكَ (حکمت ۴۰۹).	پیش‌انگاری ساختاری: بالاترین عزا، مرگ فرزند برای مادر است.
۳۴	جَاءَ بِأَمْرِ لَمْ يُعْرِفْ بَابَهُ (خطبه ۱۷۳).	پیش‌انگاری ساختاری: موفقیت در هر کاری مستلزم دانستن راه کارهای آن است.
۳۵	جَعَلَ أَعْلَاهُ أَسْفَلَهُ وَ أَسْفَلَهُ أَعْلَاهُ (حکمت ۳۶۷).	پیش‌انگاری ساختاری: (أَعْلَاهُ وَ أَسْفَلَهُ) نیک بختی و بیچارگی همانند بالا و پایین شدن است. پیش‌انگاری وجودی: بالا و پایین وجود دارد.
۳۶	حَدَّوْا الزَّاجِرِ (خطبه ۱۵۶).	پیش‌انگاری ساختاری: حرکت انسان به سوی مرگ و برپایی قیامت سریع است.
۳۷	الْحَسَدُ يَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ (خطبه ۸۵).	پیش‌انگاری وجودی: حسد وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: آتش وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: ایمان وجود دارد پیش‌انگاری ساختاری: حسادت ویرانگر است. پیش‌انگاری ساختاری: ایمان مستعد نابودی است. پیش‌انگاری ساختاری: ایمان به مراقبت نیاز دارد. پیش‌انگاری ساختاری (فعل استنباطی: يأكل): حسادت اندک اندک ایمان را نابود می‌کند.
۳۸	الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ (حکمت ۷۷).	پیش‌انگاری وجودی: حکمت وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: مؤمن وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: حکمت را همواره باید آموخت تا به آسایش رسید.
۳۹	الْحَمْدُ لِلَّهِ كُلَّمَا لَاحَ نَجْمٌ وَ خَفَقَ (خطبه ۴۸).	پیش‌انگاری وجودی: ستایش کردن وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: در هر زمان ستایش خداوند بر انسان واجب است.
۴۰	حَمَالُ خَطَايَاهُ غَيْرُهُ (خطبه ۱۷).	پیش‌انگاری وجودی: گناه وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: پیروی کردن وجود دارد.

ردیف	پاره‌گفتار	پیش‌انگاری
۴۱	حَنَّ قَدَحٌ لَيْسَ مِنْهَا (نامه ۲۸).	پیش‌انگاری ساختاری: سخن راندن درباره امری که به سخن‌گو ربطی ندارد همانند صدای تیری غیر از تیرهای قمار است و بی‌فایده است.
۴۲	حِیدِی حِیَادٍ (خطبه ۲۹).	پیش‌انگاری وجودی: جنگ وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: سستی در جنگ با دشمن در وقت نبرد زیان‌بار است.
۴۳	خَبَّاطُ جَهَالَاتٍ (خطبه ۱۷).	پیش‌انگاری وجودی: قضاوت نمودن وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: شرط حکومت بر مردم درست حکم نمودن است.
۴۴	خُذِ الْحِكْمَةَ اُنِّیْ کَانَتْ (حکمت ۷۶).	پیش‌انگاری وجودی: حکمت وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: همواره حکمت سودمند است.
۴۵	الْخَطَايَا خَيْلٌ شُمُسٌ حُمِلَ عَلَيْهَا اَهْلُهَا (خطبه ۱۶).	پیش‌انگاری وجودی: گناه وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: گناهکار وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: همواره باید از معصیت دوری نمود. پیش‌انگاری ساختاری: گناه سرکش است.
۴۶	خَيْرُ دَارٍ وَ شَرُّ جِيرَانٍ (خطبه ۲).	پیش‌انگاری ساختاری: سستی و ضعف در جنگ ندامت و خونریزی در پی دارد.
۴۷	الدَّامِغِ صَوْلَاتِ الْأَضَالِيلِ (خطبه ۷۱).	پیش‌انگاری وجودی: گمراهی وجود دارد.
۴۸	دَعُ عَنْكَ مَنْ مَالَتْ بِهِ الرَّمِيَّةُ (نامه ۲۸).	پیش‌انگاری وجودی: نافرمانی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: تبعیت از گمراهان مردود است.
۴۹	الدَّهْرُ يُخْلِقُ الْأَبْدَانَ وَ يُجَدِّدُ الْأَمَالَ (حکمت ۶۹).	پیش‌انگاری وجودی: پیر شدن وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: آرزو وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: روزگار فریب‌کار است.
۵۰	الدَّهْرُ يَوْمَانِ: يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ (نامه ۷۲).	پیش‌انگاری وجودی: سود وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: ضرر وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: خوشی‌های دنیا موقتی و گذرا است.
۵۱	رَأَى الشَّيْخُ أَحَبَّ إِلَى مَنْ جَلَدَ الْغُلَامِ (حکمت ۸۳).	پیش‌انگاری وجودی: اندیشه وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: جنگ وجود دارد پیش‌انگاری ساختاری: تجارب بزرگان دوست‌داشتنی‌تر و ارزشمندتر است.

ردیف	پاره گفتار	پیش‌انگاری
۵۲	رُبَّ بَعِيدٍ أَقْرَبُ مِنْ قَرِيبٍ (نامه ۳۱).	پیش‌انگاری ساختاری: سودرسانی بر اساس دوری یا نزدیکی نیست.
۵۳	رُبَّ قَوْلٍ أَنْفَذَ مِنْ صَوْلٍ (حکمت ۳۸۸).	پیش‌انگاری وجودی: کلام وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: هجوم وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: گفتار همچون شمشیر برنده است.
۵۴	رُبَّ مَلُومٍ لَا ذَنْبَ لَهُ (نامه ۲۸).	پیش‌انگاری وجودی: گناه وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: سرزنش وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: سرزنش کردن باید سنجیده و بجا باشد.
۵۵	رَجَعَ الْحَقُّ إِلَى أَهْلِهِ (خطبه ۲).	پیش‌انگاری وجودی: حق وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: حق قابل برگشت است.
۵۶	رُدُّوا الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ (حکمت ۳۰۶).	پیش‌انگاری ساختاری: در مجازات کردن رعایت اعتدال ضروری است.
۵۷	رَكَبَ الْجَهْلُ مَرَاكِبَهُ (خطبه ۱۰۷).	پیش‌انگاری وجودی: نادانی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: (رَكَب) آمادگی برای انجام کارمانند-سوار شدن بر مرکب برای حرکت است.
۵۸	رَكِبْنَا أَعْجَازَ (حکمت ۲۱).	پیش‌انگاری وجودی: سختی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: برای رسیدن به هدف، تحمل سختی ضروری است.
۵۹	رَمَى بِأَفْوَقٍ (خطبه ۶۸).	پیش‌انگاری ساختاری: بدون وجود یاران ثابت قدم حرکت به سوی هدف، اشتباه است.
۶۰	زَرَعُوا الْفُجُورَ وَسَقَوْهُ الْغُرُورَ وَحَصَدُوا الثُّبُورَ (خطبه ۲).	پیش‌انگاری وجودی: کشت محصول وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: برداشت محصول وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: فسق و فجور وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: سستی و هلاکت وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: نافرمانی از دستورات الهی تبعات دارد. پیش‌انگاری ساختاری: هلاکت نتیجه سرکشی است. پیش‌انگاری ساختاری: (زَرَعُوا) و (حَصَدُوا) حیل و نیرنگ نتایج ناپسندی در پی دارد.
۶۱	سُرُوحٌ عَاهَهُ بَوَادٍ وَعَثَ (نامه ۳۱).	پیش‌انگاری وجودی: فراموشی و نسیان وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: دنیا عامل فراموشی از قیامت و رستخیز است.

ردیف	پاره‌گفتار	پیش‌انگاری
۶۲	السَّعِيدُ مَنْ وُعِظَ بِغَيْرِهِ (خطبه ۸۵).	پیش‌انگاری وجودی: خوشبختی وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: پند و اندرز وجود دارد. پیش‌انگاری واقعیت ناپذیر: هرکسی از پند گیری رویگردان شود به سعادت نمی‌رسد.
۶۳	سَلَّ عَنْ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ وَ عَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ (نامه ۳۱).	پیش‌انگاری وجودی: همسایه وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: لازمه موفقیت در کار، مشورت از دیگران است.
۶۴	سَيَّرَعَفُ بِهِمُ الزَّمَانُ (خطبه ۱۲).	پیش‌انگاری ساختاری: زمان پیدایش یاران واقعی نامعلوم است.
۶۵	شَتَّانَ مَا يَوْمَى عَلَى كُورِهَا (خطبه ۳).	پیش‌انگاری وجودی: غم و محنت وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: شادی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: احوال انسان همواره به یک شکل نیست و تغییر پذیر است.
۶۶	شَحَذَ الْقَيْنِ النَّصْلَ (خطبه ۱۵۰).	پیش‌انگاری ساختاری: انسان با تحمل سختی‌ها شایسته پذیرش مدارج بالاتر می‌شود.
۶۷	شُدُّوا عَقْدَ الْمَآزِرِ (خطبه ۲۱۱).	پیش‌انگاری وجودی: جنگ وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: چابکی لازمه موفقیت در کار است.
۶۸	الشَّرُّ بِالْشَّرِّ مُلْحَقٌ. بد به بدی پیوند. (فیض الاسلام، ۱۳۶۸: ۱۰۷۰) (نامه ۶۹).	پیش‌انگاری وجودی: بدی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: هر عملی نتیجه و بازتاب خود را دارد.
۶۹	الشَّفِيعُ جِنَاحُ الطَّالِبِ (حکمت ۶۰).	پیش‌انگاری وجودی: شفیع وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: درخواست‌کننده وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: یاری‌کننده همواره خیرخواه است.
۷۰	شَقَشَقَهُ هَدَرَتْ ثُمَّ قَرَّتْ (خطبه ۳).	پیش‌انگاری ساختاری: سخن نابجا همانند صدای بی‌موقع شتر است.
۷۱	الشَّقِيُّ مَنْ انْخَدَعَ لِهَوَاهُ وَ غُرُورِهِ (خطبه ۸۵).	پیش‌انگاری وجودی: بدبختی وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: فریبکاری وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: هوای نفس وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: هوشیاری انسان در برابر خواسته‌های ناپسند ضرورت دارد.

ردیف	پاره گفتار	پیش‌انگاری
۷۲	الشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى (حکمت ۶۵).	پیش‌انگاری وجودی: سپاسگزاری وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: بی‌نیازی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: شرط رسیدن به بی‌نیازی شکرگذاری در برابر نعمت‌ها است.
۷۳	صَاحِبُ السُّلْطَانِ كِرَاكِبِ الْأَسَدِ (حکمت ۲۵۵).	پیش‌انگاری وجودی: پادشاه وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: همنشینی با پادشاه، نیاز به مراقبت و احتیاط دارد.
۷۴	صَاحِبُهَا كِرَاكِبِ الصَّعْبَةِ (خطبه ۳).	پیش‌انگاری ساختاری: افرادی هستند که مصاحبت با آنها در هر صورت زیان‌بار است.
۷۵	صَالَ الدَّهْرُ صِيَالِ السَّيِّعِ الْعُقُورِ (خطبه ۱۰۷).	پیش‌انگاری ساختاری: روزگار درنده است. پیش‌انگاری ساختاری: انسان همواره باید از فریب دنیا برحذر باشد.
۷۶	صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ تَقَى مَصَارِعِ الْهَوَانِ (خطبه ۱۰۹).	پیش‌انگاری وجودی: احسان وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: ذلت و خواری وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: انسان با نیکی نمودن از خواری مصون است.
۷۷	الصُّورَةُ صُورَةُ إِنْسَانٍ وَالْقَلْبُ قَلْبُ حَيَوَانٍ (خطبه ۸۶).	پیش‌انگاری ساختاری: ظاهر نمی‌تواند بیانگر نیات درونی باشد.
۷۸	ضَاقَ الْمَخْرَجُ وَ عَمِيَ الْمَصْدَرُ (خطبه ۲).	پیش‌انگاری وجودی: فتنه وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: شرایط همواره بر موافق با خواسته انسان نیست.
۷۹	ضَحَّ رُوَيْدًا (نامه ۴۱).	پیش‌انگاری ساختاری: شتاب نمودن در انجام کارها جایز نیست.
۸۰	الطَّرِيقُ الْوُسْطَى هِيَ الْجَادَةُ (خطبه ۱۶).	پیش‌انگاری وجودی: راه وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: میانه روی بهترین انتخاب برای انجام هر کاری است.
۸۱	ظَهَرَ فِي فَلَتَاتِ لِسَانِهِ وَ صَفَحَاتِ وَجْهِهِ (حکمت ۲۵).	پیش‌انگاری ساختاری: سنجیده سخن گفتن مانع از آشکار شدن اسرار می‌شود. پیش‌انگاری وجودی: راز وجود دارد.
۸۲	الْعَالَمُ مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ (خطبه ۱۰۲).	پیش‌انگاری وجودی: دانا وجود دارد. پیش‌انگاری واقعیت‌ناپذیر: عدم شناخت ارزش و بهای وجودی خویش نادانی است.

ردیف	پاره‌گفتار	پیش‌انگاری
۸۳	عَالِمُهَا مُلْجَمٌ وَ جَاهِلُهَا مُكْرَمٌ (خطبه ۲).	پیش‌انگاری وجودی: فتنه وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: نادانی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: فتنه‌ها عامل گمراهی انسان‌ها هستند.
۸۴	الْعِفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ (حکمت ۶۵).	پیش‌انگاری وجودی: فقر وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: پاکدامنی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: پاکدامنی فقر را از بین می‌برد. پیش‌انگاری ساختاری: پاکدامنی زینت است. پیش‌انگاری ساختاری: پاکدامنی نوعی پوشش است.
۸۵	عَلَى أَثَرِ الْمَاضِي مَا يَمْضِي الْبَاقِي (خطبه ۹۸).	پیش‌انگاری ساختاری: مرگ حقیقتی انکار ناپذیر است. پیش‌انگاری ساختاری: سرنوشت همه انسان‌ها به نیستی ختم می‌شود.
۸۶	عَلَى ذَلِكَ نَسَلَتِ الْقُرُونُ (خطبه ۱).	پیش‌انگاری ساختاری: اتمام حجت خداوند با انسان‌ها مستلزم گذشت زمان است.
۸۷	عَلَى وَضَرٍ مِنْ ذَا الْإِنَاءِ قَلِيلٌ (خطبه ۲۵).	پیش‌انگاری ساختاری: بی‌بهره ماندن از حق خود در حکومت، مانند غذا خوردن از ته دیگ است که بی‌فایده است.
۸۸	عِنْدَ الصَّبَاحِ يَحْمَدُ الْقَوْمُ السُّرَى (خطبه ۱۵۹).	پیش‌انگاری ساختاری: با تحمل سختی‌ها به آسایش می‌توان رسید و مورد تمجید قرار گرفت. پیش‌انگاری وجودی: سختی وجود دارد.
۸۹	غَرَضٌ لِنَابِلٍ وَ أَكْلُهُ لَأَكْلِ وَ فَرِيَسَةٌ لَصَائِلٍ (خطبه ۱۴).	پیش‌انگاری ساختاری: پیروی از نادان و بی‌خرد مورد نکوهش است. پیش‌انگاری وجودی: نادان وجود دارد.
۹۰	الْغَرِيبُ مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ حَبِيبٌ (نامه ۳۱).	پیش‌انگاری وجودی: غریب وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: بدون داشتن دوست و همراه، انسان همواره در غربت است.

نتیجه

از مطالعه و خوانش کاربردشناختی ضرب‌المثل‌های نهج‌البلاغه در پرتو پیش‌انگاری‌ها، نتایج زیر حاصل شد:

۱. امام علی(ع) در مسیر دستیابی به معانی پنهان، از شیوه‌هایی همچون اشاره به ماهیت حقیقی امور، ذکر جزئیات، بیان معیار و ملاک، تشریح وظایف شخصی و تکالیف دینی، تبیین مسئولیت‌های انسانی در قبال دیگران، حمل معانی گسترده و پنهان در زیر یک مسئله، ذکر ابعاد فردی و اجتماعی یک موضوع، اشاره به ریشه‌های رذایل و فضایل و پیامدهای زیان‌بار یا سودمند آنها، و ارائه اطلاعات کامل و همه‌جانبه، مخاطب را به تدبیر و تعمق در مسائل دعوت کرده و او را به تأمل در عمق واژگان و ساختار جملات تشویق می‌نماید. ایشان در این مسیر با بهره‌گیری از ابزارهای زبانی نظیر انتخاب واژگان برجسته با گنجایش مفهومی بالا، و نیز به کارگیری پیش‌انگاری‌های وجودی، ساختاری و گاه واقعیت‌پذیر و واقعیت‌ناپذیر، مخاطب را بیش از پیش به تعمق در این امثال ترغیب می‌کند.
۲. پس از بررسی‌های انجام‌شده و تبیین انواع پیش‌انگاری در نمونه‌های ارائه‌شده از امثال، این نتیجه حاصل شد که در هر عبارت، افزون بر وجود یک پیش‌انگاری وجودی ثابت، پیش‌انگاری‌های ساختاری متناسب با موضوع نیز حضور دارند تا به شکلی بهتر و کامل‌تر به پرسش‌های ذهنی مخاطب پاسخ داده شود. به عبارت دیگر، علاوه بر اینکه پیش‌انگاری وجودی به‌عنوان زیرساختی محکم برای فراهم آوردن زمینه جلب اعتماد مخاطب و تأثیرپذیری او عمل می‌کند، پیش‌انگاری‌های مرتبط دیگری نیز به فضای گفتگو افزوده می‌شوند. آنچه در این میان اهمیت دوچندان می‌یابد، کیفیت تأثیرگذاری خود پیش‌انگاری‌ها است.
۳. پیش‌انگاری‌ها با انواع گوناگون خود، به درک نهج‌البلاغه، افشای اسرار آن و میزان تأثیرگذاری آن بر مخاطب کمک می‌کنند و امکان خوانشی جدید از این کتاب ارزشمند را فراهم می‌آورند. با این حال، به نظر می‌رسد پیش‌انگاری وجودی و ساختاری بیش از سایر انواع، توانسته‌اند مخاطب را به تفکر و تعمق در ورای معانی پوشیده دعوت نمایند.

کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۹). تحلیل گفتمان‌های رادیو، چاپ اول، تهران: طرح آینده.
۳. ----- (۱۳۹۱). زبان‌شناسی حقوقی (نظری و کاربردی). تهران: علم.
۴. البرزی، پرویز. (۱۳۸۶). زبان‌شناسی متن، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۵. بن ظافر الشهری، عبدالهادی. (۲۰۰۴). استراتیجیات الخطاب، مقارنة لغویة تداولیة، ليبيا: دار الكتاب الجديد.
۶. صفوی، کورش. (۱۳۹۰). درآمدی بر معناشناسی، چاپ ۴، تهران: انتشارات سوره مهر.
۷. فیض‌الاسلام، علی نقی. (۱۳۸۶). ترجمه و شرح نهج‌البلاغه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات فقیه.
۸. قائمی‌نیا، علیرضا. (۱۳۹۹). معناشناسی، ج ۱ و ۲، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۹۳). درآمدی به گفتمان‌شناسی، چاپ ۴، تهران: هرمس.
۱۰. یول، جورج. (۱۳۸۳). کاربردشناسی زبان، ترجمه محمد عموزاده و منوچهر توانگر. تهران: سمت.

۱۱. حسینی، محمد باقر؛ نوروزی، علی؛ ناظری، حسین؛ نقشبندی، حامد. (۱۳۹۴). «نگاهی به امثال و حکم در ادب خراسان (قرن ۴ و ۵)»، *مجله زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد*، شماره دوازدهم، بهار و تابستان. صص ۲۳۰-۲۰۷. (Doi: 10.22067/jall.v7i12.54442)
۱۲. صیادی‌نژاد، روح‌الله؛ امیری، شهرام؛ ذکایی، عبدالحسین. (۱۳۹۷). «شگردهای زبانی (دستوری و آوایی) متنی در اقناع از منظر پراگماتیسم»، *مجله زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد*، شماره هجدهم، بهار و تابستان. صص ۱۴۷-۱۱۹. (Doi: 10.22067/jall.v8i15.44901)

References

- Aghagolzadeh, F. (2010). *Analysis of radio discourses* (1st ed.). Tehran: Tarh-e Ayandeh. (in Persian)
- Aghagolzadeh, F. (2012). *Forensic linguistics (theoretical and applied)*. Tehran: Elm. (in Persian)
- Alborzi, P. (2007). *Text linguistics*. Tehran: Amirkabir Publications. (in Persian)
- Bin Zafer al-Shahri, A. (2004). *Discourse strategies: A comparative pragmatic linguistic study*. Libya: Dar al-Kitab al-Jadid. (in Persian)
- Feyz-ol-Islam, A. N. (2007). *Translation and commentary of Nahj al-Balaghah*. Tehran: Faghih Printing and Publishing Organization. (in Persian)
- Ghaemina, A. (2020). *Semantics* (Vols. 1 & 2). Qom: Research Institute of Hawzeh and University. (in Persian)
- Holy Quran. (n.d.). (in Persian)
- Hosseini, M. B., Norouzi, A., Nazeri, H., & Naghshbandi, H. (2015). A look at proverbs and wisdoms in Khorasan literature (4th and 5th centuries). *Journal of Arabic Language and Literature, Ferdowsi University of Mashhad*, 12, 207–230. (in Persian)
- Safavi, K. (2011). *An introduction to semantics* (4th ed.). Tehran: Sureh Mehr Publications. (in Persian)
- Sayyadinejad, R., Amiri, S., & Zakaee, A. H. (2018). Al-Mutanabbi's linguistic techniques (grammatical and phonological) in persuasion from a pragmatism perspective. *Journal of Arabic Language and Literature, Ferdowsi University of Mashhad*, 18, 119–147. (in Persian)
- Yarmohammadi, L. (2014). *An introduction to discourse studies* (4th ed.). Tehran: Hermes. (in Persian)
- Yule, G. (2004). *Pragmatics* (M. Amouzadeh & M. Tavangar, Trans.). Tehran: SAMT. (in Persian)

- 1- foresight
- 2- existential presupposition
- 3- factive presupposition
- 4- non factive presupposition
- 5- lexical presupposition